

موارد انحلال قرارداد بیمه

لیلا برادران^۱

چکیده:

مقاله حاضر به طور خلاصه در دو بخش به بررسی موارد انحلال ارادی قرارداد بیمه و موارد انحلال قهری قرارداد بیمه می‌پردازد. موارد انحلال ارادی قرارداد بیمه عبارتند از: فسخ و تفاسخ قرارداد. به موجب فسخ، قرارداد به صورت یک طرفه و به موجب تفاسخ، قرارداد با توافق دو طرف منحل می‌شود. انحلال قهری قرارداد نیز به صورت انفساخ آن واقع می‌شود ولیکن بطلان قرارداد، از آن جهت که ممکن است موجب بطلان پس از انعقاد صحیح و مدتی جریان صحیح آن تحقق یابد در این بخش بررسی شده است. قانون بیمه در چند ماده به اختصار موارد انحلال ارادی و قهری قرارداد بیمه را برشمرده است ولی در بسیاری موارد برای مثال بیمه‌گران برای خود حق فسخی قایل می‌شوند که درک مصداق آن برای بیمه‌گذارانی که اطلاعاتی از مسایل فنی بیمه و حقوق ندارند مشکل خواهد بود بنابراین در این مقاله تلاش شده مواردی که در آن حق انحلال ارادی یک جانبه علی‌الخصوص برای بیمه‌گر که طرف قوی قرارداد است، تشریح و آثار آن بررسی گردد.

۱. کارشناس ارشد حقوق از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

واژگان کلیدی

انحلال، بطلان، فسخ، تفاسخ، انفساخ

موارد انحلال ارادی قرارداد بیمه

موارد انحلال ارادی قرارداد بیمه عبارت‌اند از فسخ و تفاسخ. درباره فسخ و تفاسخ قرارداد بیمه در قسمت اول و در خصوص آثار انحلال ارادی قرارداد بیمه در قسمت دوم بحث می‌شود.

مبحث اول: فسخ قرارداد بیمه

در اصطلاح حقوقی فسخ عبارت از پایان دادن به هستی حقوقی قرارداد توسط یکی از دو طرف یا شخص ثالث است. بنابراین فسخ یکی از اسباب سقوط تعهدات و قراردادهای و یک عمل حقوقی و انشای یک طرفه انحلال قرارداد و نوعی ایقاع محسوب می‌شود و برای اعمال آن وجود شرایطی لازم است. این شرایط همان قصد، رضا و اهلیت است. به این نحو که با اراده صحیح و قصد واقعی و نه به قصد مزاح یا در حال خواب اراده شخص اعمال شود. در ضمن، طرفی که قرارداد را فسخ می‌کند باید برای تصرف در حقوق مالی خود اهلیت داشته باشد. اعمال این حق توسط صغیر غیر ممیز و مجنون ممکن نیست و اثر حقوقی به بار نخواهد آورد، ولی در صورتی که صغیر ممیز و سفیه این حق خود را اعمال کنند اذن ولی یا قیم باید به آن ملحق شود تا اثر حقوقی به بار آورد. اسقاط حق فسخ هم نیازمند اهلیت اسقاط کننده است و البته فسخ قرارداد همانند هر عمل حقوقی دیگری نیازمند اعلام اراده فرد است. ماده ۴۴۹ قانون مدنی در این مورد می‌گوید: «فسخ به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن نماید حاصل می‌شود». بنابراین قصد فرد بر فسخ عقد به واسطه لفظ و بیان چنانچه بگوید عقد را فسخ کردم حاصل می‌شود، یا اگر به واسطه انجام دادن فعل خلاف مقتضای عقد منعقد شده اعمال حق فسخ خود را بیان دارد.

در عالم حقوق، فسخ به دو صورت یک جانبه و قضایی صورت می‌گیرد. فسخ یک جانبه آن زمانی است که متعهد له بدون نیاز به مراجعه به دادگاه حق فسخ عقد را داشته باشد ولی هرگاه برای فسخ عقد متعهد له ملزم به مراجعه به دادگاه باشد آن فسخ، قضایی است.

فسخ عقد بیمه با رعایت قواعد عمومی قراردادهای مندرج در قانون مدنی و موارد مندرج در قانون بیمه و اصول کلی حقوق صورت می‌گیرد. قانون مدنی به عنوان قانون مادر به طور عام حاکم بر قرارداد بیمه «تشکیل، اجرا و انحلال آن» است و قانون بیمه نیز با اندکی مسامحه به نحوی تخصصی و ویژه بر قراردادهای بیمه حاکم است بنابراین فسخ عقد بیمه با مجوز دو دسته از قوانین موضوعه که لازم الاجراست صورت می‌گیرد. دسته اول، قواعد مندرج در قانون مدنی: «مواردی که تخلف از تعهدات قراردادی ضمانت اجرای فسخ را در پی دارد یا مواردی که خیار قابل اعمال بر عقد بیمه هستند». دسته دوم: موارد مندرج در قانون بیمه که فسخ قرارداد را مقید به شرایط خاص و محدود و موارد معین کرده است.

گفتار اول - فسخ توسط بیمه‌گر

۱) فسخ به علت عدم پرداخت حق بیمه: در قرارداد بیمه پرداخت حق بیمه موضوع تعهد بیمه‌گذار است ولیکن احتمال این که بیمه‌گذار به این تعهد عمل نکند وجود دارد. قانون بیمه در این مورد حکم خاصی پیش بینی نکرده است، بنابراین قانون مدنی حاکم است. مطابق قواعد قانون مدنی تعهدات قراردادی ممکن است به صورت شرط صفت، شرط فعل یا شرط نتیجه باشند که از نظر قواعد عام قانون مدنی پرداخت حق بیمه شرط فعل محسوب می‌شود. در مواردی که متعهد، شرط فعل را نقض می‌کند مواد ۲۳۷ و ۲۳۹ قانون مدنی حاکم است. به موجب ماده ۲۳۷ قانون مدنی «هرگاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد، اثباتاً یا نفیاً، کسی که ملزم به انجام دادن شرط شده است باید آن را بجا بیاورد و در صورت تخلف طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع

و تقاضای اجبار به وفای شرط کند». ماده ۲۳۹ قانون مدنی می‌گوید: « هر گاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت».

از سوی دیگر به علت معوض بودن قرارداد بیمه و مشترک بودن آثار قراردادهای معوض، پرداخت حق بیمه توسط بیمه‌گذار عوض تأمینی است که از طرف بیمه‌گر صورت می‌گیرد. بنابراین ظاهراً تا بیمه‌گذار به تعهد خود عمل نکند و حق بیمه را پرداخت ننماید بیمه‌گر نیز مسئول جبران خسارت نخواهد بود. ولیکن براساس مقتضیات و خصوصیات خاص قرارداد بیمه هیچ کدام از موارد فوق (مواد ۲۳۷ و ۲۳۹ قانون مدنی و حق حبس) نمی‌تواند راه حل منصفانه و مناسبی برای بیمه‌گران باشد، زیرا خصوصیت رضایی بودن در قرارداد بیمه ایجاب می‌کند که به محض انعقاد قرارداد تعهدات بیمه‌گر به وجود آید و در صورت وقوع حادثه، تکلیف او به جبران خسارت تحقق یابد. در عمل بیمه‌گران در بیمه‌نامه پرداخت نقدی را که برای آنها تأمین محسوب می‌شود مقرر می‌دارند. لیکن مواردی پیش می‌آید که ناچار از دادن مهلت به بیمه‌گذاران برای تهیه مبلغ حق بیمه‌اند. در این موارد بیمه‌گران تا زمانی که حق بیمه پرداخت نشده بیمه‌نامه را به بیمه‌گذاران تحویل نمی‌دهند و عملاً بیمه آغاز نمی‌شود و بیمه‌گر در صورت وقوع حادثه در طول این مدت مسئول نخواهد بود و در مواردی که حق بیمه به صورت اقساطی پرداخت می‌شود ضمن قرارداد بیمه شرط فسخ یا شرط تعلیق را برای خود پیش بینی می‌کند و در غیر این صورت بیمه‌گر متعهد بیمه‌نامه خواهد بود.

۲) فسخ بعد از هر خسارت: در عقود بیمه متعارف است که بیمه‌گر ضمن شرطی حق فسخ قرارداد را در صورت وقوع حادثه موضوع بیمه برای خود در نظر می‌گیرد و طرفین بر سر وجود چنین شرطی ضمن عقد توافق می‌کنند ولی با آن که

در قانون بیمه چنین حقی برای هیچ یک از طرفین در نظر گرفته نشده چنین شرطی صحیح است. این شرط به نحوی تنظیم می‌شود که به بیمه‌گر حق می‌دهد که در خلال مدت اجرای عقد بیمه در صورت وقوع حادثه و پس از جبران خسارت و ایفای تعهدات خود، قرارداد را فسخ کند. البته این حق مربوط به زمانی است که پس از وقوع حادثه موضوع بیمه، قرارداد همچنان پابرجاست، یعنی مورد بیمه کلاً از بین نرفته است و این جبران خسارت آخرین جبران خسارت نخواهد بود. بنابراین با اعمال این حق توسط بیمه‌گر عقد فسخ می‌شود و حق بیمه مدت باقیمانده عقد باید به بیمه‌گذار مسترد شود.

گاهی ممکن است افراد سودجو پس از انعقاد قرارداد بیمه خود با تقلب یا عدم نگهداری مناسب از مورد بیمه باعث وقوع حادثه و بروز خسارت شوند و از این راه سود ببرند. از آنجا که برای بیمه‌گر متضرر اثبات تخلف بیمه‌گذار بسیار مشکل و گاهی ناممکن است ولی حالا که تقلب بیمه‌گذار را کشف کرده است می‌تواند بعد از جبران خسارت و ایفای تعهدات قراردادی جلوی ضرر مجدد را بگیرد و عقد را فسخ کند.

۳) فسخ در صورت تغییر وضعیت بیمه‌گذار: این قسمت شامل سه زیر مجموعه می‌شود: الف) فسخ به علت افسار و ورشکستگی؛ ب) فسخ به علت انتقال شیء بیمه شده یا فوت بیمه‌گذار؛ ث) فسخ به علت تشدید خطر.

تعیین میزان حق بیمه ارتباط مستقیم با مشخصات بیمه شده (مانند سن، شغل، فعالیت، محل سکونت، سوابق و...) دارد، یعنی میزان حق بیمه با بررسی خطر بیمه شده تعیین می‌شود. مثلاً در بیمه‌های حوادث هر خطر دو جنبه دارد:

۱. جنبه ذهنی خطر که به دقت، احتیاط و چابکی بیمه‌شده بستگی دارد
۲. جنبه عینی خطر که از روی پیشنهاد بیمه قابل برآورد است (مانند شغل و فعالیت‌های بیمه شده).

علت این است که بر طبق آیین‌نامه شماره ۲۴ مصوب شورای عالی بیمه اگر فردی

شغل خود را به نحوی تغییر دهد که در طبقه شغلی دیگری قرار گیرد مسلماً وضعیت او تغییر می‌کند. این تغییر وضعیت همان تغییر خطری است که بیمه‌گر به موجب آن میزان حق بیمه را تعیین کرده است.

در حقوق ایران در صورت تغییر وضعیت بیمه‌گذار به‌طور مطلق برای بیمه‌گر حق فسخ در نظر گرفته نشده ولیکن ذکر شده است که در صورت تشدید خطر و نارضایتی بیمه‌گذار بر پرداخت اضافه حق بیمه یا انتقال حق بیمه و یا اعسار یا ورشکستگی بیمه‌گذار، بیمه‌گر حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

الف) فسخ به علت اعسار یا ورشکستگی بیمه‌گذار: تعهدات دو طرف قرارداد (بیمه‌گر و بیمه‌گذار) به ترتیب پرداخت حق بیمه و تامین ارانه شده موازنه و تعادل دارند و در صورتی که بیمه‌گذار قادر به ایفاء تعهدات قراردادی خود بنا به حکم قانون یا بدون حکم قانون به‌طور غیر ارادی و به دلیل اعسار نباشد، برای حفظ حقوق بیمه‌گر و جلوگیری از تضرر و ورشکستگی او به شرکت بیمه حق فسخ قرارداد داده شده است. در حقوق ایران این حق یعنی حق فسخ قرارداد بیمه توسط بیمه‌گر مطابق توافق قراردادی بنا بر اصل انصاف و منطبق به بیمه‌گر داده می‌شود. ولی قانون بیمه به صراحت چنین حقی را برای بیمه‌گر نشناخته است. البته مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل آزادی اراده در انعقاد و تعیین شرایط قراردادی و ماده ۳۵ قانون بیمه شرط کردن چنین حق فسخی با اصول حقوقی بیمه و مقتضای آن منافاتی ندارد و نافذ و قابل اجراست. ماده ۱۰ قانون مدنی می‌گوید: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشند نافذ است.» و مطابق ماده ۳۵ قانون بیمه: «طرفین می‌توانند در قراردادهای بیمه هر شرطی دیگری بنمایند لیکن موعده مذکوره در ماده ۱۶ را نمی‌توانند تقلیل دهند ولی ممکن است موعده را به رضایت یکدیگر تمدید کنند.»

ب) فسخ به علت انتقال شیء بیمه شده یا فوت بیمه گذار: قسمت اول ماده ۱۷ قانون بیمه مقرر می دارد: «در صورت فوت بیمه گذار یا انتقال موضوع بیمه به دیگری اگر ورثه یا منتقل الیه کلیه تعهداتی را که به موجب قرارداد به عهده بیمه گذار بوده است در مقابل بیمه‌گر اجرا کند قرارداد بیمه به اعتبار خود باقی می ماند، مع هذا هر یک از بیمه‌گر یا ورثه یا منتقل الیه حق فسخ آن را نیز خواهند داشت. بیمه‌گر حق دارد در ظرف سه ماه از تاریخی که منتقل الیه قطعی موضوع بیمه تقاضای تغییر بیمه‌نامه را به نام خود می نماید عقد بیمه را فسخ کند...».

مبنای وجود چنین حقی اصل نسبی بودن قراردادهاست. فسخ به علت انتقال شیء بیمه شده یا فوت بیمه‌گذار به دو قسمت تقسیم می شود: فسخ توسط بیمه‌گر و فسخ توسط منتقل الیه: در ماده ۱۷ قانون بیمه در صورت انتقال مورد بیمه، برای بیمه‌گر و در صورت انتقال مورد بیمه، برای منتقل الیه حق فسخ در نظر گرفته شده است.

پ) فسخ به علت تشدید خطر: بیمه‌گذار در هنگام پیشنهاد بیمه با تکمیل فرم پیشنهاد ارائه شده توسط بیمه‌گر، اطلاعاتی را در اختیار وی قرار می دهد و بیمه‌گر خواهد توانست با سنجیدن این اطلاعات و این که آیا مورد بیمه قبلاً برای همین ریسک بیمه شده است یا نه، برآورد دقیقی در مورد ریسک مورد بیمه و تعهدات خود داشته باشد. ولی ممکن است در طول مدت اجرای قرارداد شرایط موضوع بیمه تغییر کند و میزان خطری که آن را تهدید می کند بیشتر شود. در این صورت قرارداد بیمه برخلاف سایر قراردادها واجد احکام جدیدی می شود.

مطابق ماده ۱۶ قانون بیمه، بیمه‌گذار مکلف شده مراتب را به بیمه‌گر اطلاع دهد. تشدید خطر در صورتی که موجب تغییر شرایط قراردادی و افزوده شدن تعهدات قراردادی گردد باعث می شود که بیمه‌گر بعد از اطلاع بتواند از بیمه‌گذار درخواست افزایش حق بیمه را بنماید و در صورت عدم توافق اقدام به فسخ قرارداد نماید.

۴) فسخ به علت عدم رعایت اصل حسن نیت بدون عمد: اصل حسن نیت

مربوط به جایی است که یک طرف قرارداد بیش از طرف دیگر از واقعیات با خبر باشد. قانون مدنی ایران در مورد اکراه و غبن به اصل حسن نیت توجه کرده است. قانون بیمه نیز عدم صداقت را در صورتی که با سوء نیت همراه باشد موجب بطلان قرارداد می داند ولی اگر اظهارات خلاف واقع بدون عمد و سوء نیت و سهواً صورت گرفته باشد آن را موجب ایجاد حق فسخ برای طرف قرارداد دانسته است. حالت دیگر زمانی است که حادثه اتفاق افتاده و پس از وقوع آن تقصیر بیمه‌گذار احراز می‌شود. در این مورد غرامت به تناسب کل حق بیمه دریافتی در رابطه با کل حق بیمه متعلقه تقلیل می‌یابد به شرط این که خطرها به طور کامل و دقیق اعلام شده باشد و خطر اعلام نشده و یا وضعیت اعلام نشده در تحقق حادثه مؤثر نباشد (اصل نسبی بودن خطر). بیمه‌گر در این موارد نیز می‌تواند قرارداد را فسخ کند زیرا عدم حسن نیت بیمه‌گذار برای او محرز شده و از آنجا که اعلام همراه با حسن نیت بیمه‌گذار و دادن اطلاعات خواسته شده به نحو صحیح اهمیت عمده‌ای برای بیمه‌گر و صحت قرارداد بیمه دارد، در صورت عملکرد بیمه‌گذار برخلاف اصل حسن نیت (بدون عمد) بیمه‌گر حق فسخ قرارداد را خواهد داشت. لیکن از آنجا که بیمه‌گذار عمد و سوء نیتی در این کتمان نداشته قانون‌گذار بیمه‌گر را ملزم کرده است که اعمال حق فسخ خود را توسط اظهار نامه یا نامه سفارشی دو قبضه به بیمه‌گذار اطلاع دهد. قانون‌گذار اثر آن را نیز ده روز پس از اعلام دانسته تا در زمان قبل از اقدام بعدی بیمه‌گذار و بیمه‌مورد بیمه نزد بیمه‌گر دیگر، مورد بیمه فاقد پوشش بیمه‌ای نماند و بعد از فسخ نیز بیمه‌گر باید حق بیمه را که مربوط به زمان بعد از فسخ است به بیمه‌گذار بازگرداند.

گفتار دوم - فسخ توسط بیمه‌گذار

بیمه‌گذار در صورت انتقال مورد بیمه حق فسخ قرارداد را خواهد داشت و همچنین در صورت تغییر وضعیت بیمه‌گر و توقف او و کاهش ریسک مورد بیمه و سایر موارد که به آنها پرداخته خواهد شد.

۱) **توقف بیمه‌گر:** قانون بیمه در ماده ۳۱ مقرر داشته است: «در صورت توقف و افلاس بیمه‌گر، بیمه‌گذار حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.» مطابق ماده ۲ قانون تجارت، در ایران معاملات بیمه‌ای را فقط تاجر انجام می‌دهد و عملیات بیمه‌ای به طور ذاتی تجاری است. مطابق ماده ۴۱۲ همان قانون: «ورشکستگی تاجر و شرکت تجاری در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود...». نکته‌ای که باید اشاره شود این است که تاجر صرفاً از نظر حقوقی متوقف می‌شود و معسر و مفلس محسوب نمی‌شود. بنابراین در نگارش ماده ۳۱ قانون بیمه به بیمه‌گذار حق داده شده که بیمه‌نامه‌هایی را که با بیمه‌گر منعقد کرده و پس از آن بیمه‌گر دچار ورشکستگی شده است فسخ کند.

۲) **فسخ در صورت کم‌شدن خطر و فرضایی بیمه‌گر بر کاهش حق بیمه:** همان طور که تشدید خطر باعث می‌شود که حق بالا بردن حق بیمه و یا فسخ قرارداد به بیمه‌گر داده شود، تخفیف خطر نیز انصافاً باید موجب ایجاد حق پایین آوردن حق بیمه و فسخ برای بیمه‌گذار شود. در قانون بیمه ایران چنین حقی برای بیمه‌گذار در نظر گرفته نشده ولیکن خوشبختانه اقداماتی از سوی بیمه مرکزی ایران جهت در نظر گرفته شدن این حق برای بیمه‌گذار در دست اقدام است.

۳) **انتقال پورتنفوی بیمه‌گر:** «پورتنفوی عبارت است از مجموع تعهدات بیمه‌ای یا بیمه‌نامه‌های معتبر یک شرکت بیمه در تمام رشته‌ها یا یک رشته معین از فعالیت بیمه-ای». مؤسسات بیمه می‌توانند با موافقت بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه تمام یا قسمتی از پورتنفوی خود را با کلیه حقوق و تعهدات ناشی از آن به یک یا چند مؤسسه بیمه دیگر واگذار کنند. این عمل از نظر حقوقی نوعی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل متعهد است که موجب سقوط تعهد بیمه‌گر اول (انتقال‌دهنده) و ایجاد تعهد برای بیمه‌گر دوم (منتقل‌الیه) می‌شود. بیمه‌گذاری که از این انتقال ناراضی باشد می‌تواند قرارداد را فسخ کند. بنابراین، در صورت انتقال پورتنفوی مؤسسه بیمه

قراردادهای بیمه منفسخ نمی‌شود بلکه بیمه مرکزی ایران در نقش حامی حقوق بیمه‌گذاران ترتیبی برای ادامه قراردادهای بیمه اتخاذ می‌کند که تعهدات شرکت بیمه سابق ایفا شود. با این حال بیمه‌گذاری که قرارداد او تغییر کرده است با اتکا بر این امر که بر اساس اعتبار شرکت بیمه وارد قرارداد با او شده، می‌تواند قرارداد را فسخ کند و دلیلی برای انفساخ وجود ندارد و انفساخ قرارداد به هر حال منطقی به نظر نمی‌رسد.

۴) فسخ سایر قراردادهای بیمه نزد بیمه‌گر در صورت فسخ یک بیمه‌نامه: بیمه‌گران بعد از هر خسارت حق فسخ قرارداد بیمه را دارند ولی در مقابل به بیمه‌گذاران نیز حق داده شده است که در صورتی که بیمه‌گر یک قرارداد او را فسخ کند او نیز سایر قراردادهای بیمه را که نزد همان بیمه‌گر دارد فسخ نماید.

گفتار سوم - حق فسخ مشترک بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار

در بیمه نامه‌ها شرایطی در نظر گرفته شده که مطابق آنها قرارداد توسط یکی از دو طرف یا هر دو قابل فسخ باشد. مثلاً عدم رعایت حسن نیت در قرارداد توسط هر یک از طرفین به طرف دیگر حق فسخ می‌دهد. همین طور حق فسخ در صورت انقضای مدت نیز مشترک میان طرفین قرارداد است.

۱) فسخ به موجب انقضای مدت: قرارداد بیمه برای مدت معین و محدود به زمان خاصی منعقد می‌شود. طرفین در تعیین مدت آن آزاد، و قانون حداکثر مدتی را برای آن در نظر نگرفته است ولیکن پس از توافق طرفین بر سر مدت باید به صورت شرط مکتوب ذیل قرارداد آورده شود. (لازم به توضیح است که انقضای مدت قرارداد موجب انحلال آن نمی‌شود و به معنای خاص فسخ صورت نمی‌گیرد ولیکن برخی اساتید این مورد را نیز از موارد فسخ دانسته‌اند).

۲) فسخ به علت ضبط و توقیف مال مورد بیمه: ممکن است مال مورد بیمه به حکم مقامات صالح قضایی توقیف شود. در چنین وضعیتی شرایط مال به طور کلی تغییر می‌کند و ممکن است مال در تصرف مالک پلمپ شود و از محل استقرار منتقل

نشود و ممکن است به محل دیگری منتقل شود. در هر یک از این موارد مالک مال نمی‌تواند محافظت لازم را از آن به عمل آورد و دیگر حتی حق مالکیت او نسبت به مال تمام و کمال نیست و در صورت مصادره، مال او دیگر مال محسوب نمی‌شود. در این صورت برای هر یک از بیمه‌گر و بیمه‌گذار حق فسخ در نظر گرفته می‌شود.

حق فسخ قراردادی: آنچه در قرارداد بیمه مرسوم است آوردن شرط فسخ (خيار شرط) ضمن قرارداد است که به هر یک از طرفین اجازه می‌دهد که با صلاح دید خود بیمه‌نامه را فسخ کند. حتی ممکن است این حق به شخص ثالثی داده شود ولیکن اغلب از آنجا که قراردادهای بیمه از پیش تهیه می‌شود و بیمه‌گران آن را تنظیم می‌کنند این حق فسخ به نفع بیمه‌گران تنظیم شده است. با این حال درج آن به نفع بیمه‌گذاران نیز ممکن است و از نظر قانونی حمایت می‌شود.

مبحث دوم: تفاسخ قرارداد بیمه

از موارد انحلال ارادی قراردادی بیمه، اکنون نوبت به تفاسخ قرارداد بیمه می‌رسد. طرفین قرارداد بیمه ممکن است قبل از پایان یافتن مدت قرارداد تمایل به انحلال قرارداد داشته باشند. از آنجا که قرارداد بیمه با اراده آزاد بیمه‌گر و بیمه‌گذار انعقاد یافته و حیات خود را از اراده آنها به دست آورده است با اراده همان دو طرف قابل انحلال است. یعنی همان طور که با ایجاب و قبول توسط طرفین قرارداد، حیات حقوقی قرارداد آغاز می‌شود با توافق همان دو اراده بر انحلال قرارداد حیات حقوقی آن پایان می‌پذیرد. این توافق دو اراده در انحلال قرارداد را در اصطلاح حقوقی تفاسخ یا اقاله می‌گویند. ذکر این نکته ضروری است که همچنان که متعاقدان ممکن است در خصوص تمام مورد معامله نادم شوند و مایل باشند که قرارداد را کاملاً منحل و عوضین را مسترد کنند این احتمال هم هست که آنها فقط در مورد قسمتی از مورد معامله پشیمان شوند و راغب باشند که صرفاً بخشی از مورد معامله را اقاله کنند و راجع به بخش دیگر معامله بر تراضی فی‌مابین پای‌بند و استوار بمانند. از آنجا که

انحلال قرارداد بیمه خللی به حقوق اشخاص ثالث وارد نمی‌کند با مانعی برخورد نمی‌کند. همین‌طور اقاله قسمتی از قرارداد بیمه مطابق قواعد عمومی قراردادها و ماده ۲۵۸ قانون مدنی که اقاله کامل را مورد تایید قرار داده صحیح است.

آثار انحلال ارادی قرارداد بیمه

در این قسمت آثار فسخ و تفاسخ قرارداد بیمه را در دو مبحث بررسی می‌کنیم.

مبحث اول: اثر فسخ قرارداد بیمه

در قانون مدنی ایران ماده‌ای که به طور مشخص اثر فسخ قراردادها را معین کند نیست ولی این اثر را می‌توان به لحاظ وحدت ملاک با مواد دیگری نظیر ماده ۲۸۷ قانون مدنی درباره اقاله و ماده ۴۵۹ قانون مدنی درباره بیع شرط و ماده ۸۰۴ قانون مدنی استنباط کرد. زیرا اقاله همان فسخ به رضایت طرفین است که در قانون از آن به تفاسخ تعبیر شده که نتیجه آن همانند فسخ و انفساخ قرارداد است. در نیاز به توافق طرفین در تفاسخ خصوصیتی وجود ندارد که موجب تفاوت اثر تفاسخ با اثر فسخ باشد. فسخ قرارداد بیمه همانند سایر عقود رابطه قراردادی را از تاریخ تحقق از میان می‌برد و تعهدات طرفین را ساقط می‌کند ولی در ماده ۱۳ قانون بیمه ۱۳۱۶ در خصوص اثر فسخ آمده است: «اثر فسخ ۱۰ روز پس از ابلاغ مراتب به بیمه‌گذار شروع می‌شود و بیمه‌گر باید اضافه حق بیمه دریافتی تا تاریخ فسخ را به بیمه‌گذار مسترد دارد...».

این قانون بر خلاف مقررات عام حقوق ایران و اسلام است که می‌گویند: «فسخ از حین فسخ مؤثر است و تاثیر قهقرایی ندارد». لیکن از آنجا که قانون بیمه قواعد خاصی را معین کرده در کنار قانون بیمه بر قرارداد حاکم است و در موارد اختلاف، احکام قانون مدنی بر قانون بیمه مقدم است. علاوه بر این از آنجا که حق فسخ چهره‌حیاتی و خصوصی دارد و نباید آن را از قواعد مربوط به نظم عمومی پنداشت طرفین

می‌توانند در مورد زمان تحقق آثار آن توافق کنند. مثلاً می‌توانند برخلاف ماده ۱۳ قانون بیمه مقرر کنند که فسخ از تاریخ وقوع واجد اثر شود، زیرا حکم ماده ۱۳ برای حمایت از بیمه‌گذار است. به این نحو که در مهلت ۱۰ روز پس از دریافت ابلاغ فسخ، پوشش بیمه‌ای مناسب دیگری برای مورد بیمه بیاید و به این طریق از تضرر بیمه‌گذار در صورت وقوع حادثه مورد بیمه در مهلت ۱۰ روز و فاقد پوشش بیمه‌ای بودن مورد بیمه جلوگیری می‌شود.

مبحث دوم: اثر تفاسخ قرارداد بیمه

اقاله، عقد را از زمان وقوع خود منحل می‌کند نه از زمان تشکیل آن. بنابراین، عقد از زمان تشکیل تا زمان اقاله بر روابط طرفین حاکم است و اقاله (تفاسخ) به آثاری که در زمان حکومت عقد اصلی به وجود آمده است صدمه‌ای نمی‌زند و فقط از حین فسخ تداوم آن آثار را نسبت به آینده قطع می‌کند. در فقه امامیه نظر مشهور این است که اقاله همچون فسخ از حین فسخ مؤثر است. به این نظریه «نظریه تاثیر اقاله از حین فسخ» گفته می‌شود. درباره زمان تاثیر اقاله نظریات دیگری نیز وجود دارد از جمله «نظریه تاثیر اقاله از حین عقد». علت تردید در زمان تاثیر اقاله این است که اقاله مبتنی بر نارضایتی طرفین از قرارداد و تراضی آنها به برهم زدن عقد است، لذا باید عقد را از آغاز منحل کند. نظریه تاثیر اقاله از حین فسخ مشهورتر است و اکثر فقها و علما و نویسندگان حقوقی کشور حامی این نظریه‌اند. ما نیز بر نظریه مشهور در فقه امامیه حکم می‌کنیم و اثر اقاله را متوجه آینده می‌دانیم. البته هیچ یک از مواد قانون مدنی این امر را بیان نمی‌دارند ولی از مفاد برخی از مواد این قانون حمایت آن از نظریه تاثیر اقاله از حین فسخ قابل استنباط است.

نظریه دیگر، نظریه تاثیر اقاله از زمان پیدایش عقد است. بر اساس این نظریه اقاله از زمان پیدایش عقد اصلی مؤثر است و از بدو تشکیل آن را منحل می‌کند، گویی که اصلاً عقدی در روابط طرفین به وجود نیامده است. این نظریه در مقایسه با نظریه

تأثیر اقاله از حین فسخ از حمایت فقهی و حقوقی چندانی بهره‌مند نیست و عرف نیز به آن عمل نمی‌کند. نظریه اقاله از حین عقد نظریه‌ای است که در حالت عادی قابلیت اجرا ندارد و قلمرو اجرایی آن فقط محدود به توافق و تراضی متعاقدان است. در نهایت تعریف اقاله که فسخ و به هم زدن عقد به تراضی طرفین است مؤید این حقیقت است که اثر اصلی و مهم اقاله، انحلال عقد است؛ عقدی که طرفین با رضامندی آن را منعقد می‌کنند و سپس بنا به دلایلی پشیمان و مصمم بر به هم زدن آن می‌شوند.

موارد انحلال قهری قرارداد بیمه

موارد انحلال قهری قرارداد بیمه عبارت‌اند از موارد ابطال و انفساخ قرارداد بیمه که در دو مبحث به آنها پرداخته می‌شود.

مبحث اول: بطلان قرارداد بیمه

قرارداد بیمه مانند قراردادهای دیگر ممکن است به علت فقدان شروط لازم قانونی باطل باشد. این شروط قانونی را قانون مدنی به طور کلی و در کنار آن قانون بیمه برای قراردادهای بیمه معین می‌کند. در این مبحث در دو گفتار بطلان ناشی از عدم رعایت شروط مندرج در قانون مدنی و بطلان ناشی از فقدان شروط لازم در قرارداد بیمه بررسی می‌شود.

گفتار اول - بطلان قرارداد بیمه مطابق قواعد عمومی قراردادهای

ماده ۱۹۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «برای هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱. قصد طرفین و رضای آنها؛ ۲. اهلیت طرفین؛ ۳. موضوع معین که مورد معامله باشد؛ ۴. مشروعیت جهت معامله». مطابق این ماده هر یک از شروط چهار گانه لازمه صحت قرارداد است و فقدان هر یک از این شروط موجب بطلان قرارداد می‌شود.

۱) بطلان ناشی از اخلال در قصد طرفین: اولین شرط صحت معاملات قصد

طرفین است و در صورتی که خللی در آن ایجاد شود موجب بطلان یا عدم نفوذ قرارداد می‌شود. به این ترتیب که اگر خلل به قصد طرفین یا یکی از آنها وارد شود موجب بطلان قرارداد است و اگر به رضای یکی از آن دو یا هر دو خدش‌های وارد شود موجب عدم نفوذ آن می‌شود. اختلال در قصد طرفین به صورت عدم تطابق ایجاب و قبول واقع می‌شود. صحت هر عقدی بستگی به صحت قصد طرفین دارد. همچنین قاعده مشهور بین فقها که همان العقود تابعه للقصود است مؤید این معناست. ماده ۱۹۱ قانون مدنی می‌گوید: «عقد محقق می‌شود به قصد انشا به شرط مقرون بودن چیزی که به آن دلالت کند». بنابراین آنچه در انعقاد و تحقق هر عقدی مهم است قصد انشاست. قصد انشا همان قصد انعقاد معامله است و ابراز اراده بر انعقاد قرارداد به شوخی یا در حال خواب و مستی و بی‌هوشی عقدی به وجود نخواهد آورد و فاقد ارزش و اثر حقوقی خواهد بود. باید توجه داشت که قصد انشا باید در هر دو طرف قرارداد وجود داشته باشد و خلل در قصد هر یک موجب بطلان قرارداد خواهد شد.

اگر ایجاب و قبول طرفین قرارداد مطابق با هم نباشد عقدی به وجود نخواهد آمد. به این ترتیب که اگر بین طرفین در مورد ماهیت عقد توافقی حاصل نشده باشد عقدی واقع نمی‌شود و قدر متیقنی هم نمی‌توان برای آن یافت. از دیگر موارد مهم که باید به آن توجه داشت این که ماهیت مورد معامله مورد توافق طرفین قرار گیرد. به این نحو که هر دو طرف، قرارداد را برای یک موضوع منعقد کنند.

الف) اشتباه: اشتباه از دیگر علل خدشه به قصد طرفین است. در اصطلاح، اشتباه یعنی خطا در شناخت و اعتقاد بر خلاف واقع. اشتباه پندار نادرستی است که انسان از واقعیت دارد.

به این نکته توجه کنیم که بر اثر فقدان توافق طرفین، بطلان ناشی از فراهم نبودن اراده است، در حالی که بطلان عقد به علت اشتباه مربوط به وجود مانع در راه اراده است. اشتباه با دو شرط بر قرارداد منعقد اثر می‌گذارد: اول، اشتباه در علت عمده عقد

یا اشتباه اساسی باشد: اشتباه فقط در صورتی موجب بطلان قرارداد خواهد بود که مربوط به علت عمده عقد باشد. ماده ۲۰۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خلل وارد نمی‌آورد، مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده عقد باشد». پس اشتباه همان گونه که گفته شد در حالتی به صحت عقد لطمه می‌زند که ثابت شود اگر فرد مشتبه از حقیقت امر اطلاع می‌داشت هرگز منعقد نمی‌شد. دوم، اشتباه وارد در قلمرو تراضی شده باشد: زیرا انگیزه‌های درونی افراد نمی‌تواند در حالتی که جنبه درونی و شخصی دارد قرارداد را به مخاطره بیندازد، بلکه باید هر چند به طور ضمنی ابراز شده وارد قلمرو تراضی شود که مؤثر بر قرارداد شود. در هر حال در صورتی که اشتباه از اشتباهات مهم باشد و وارد در قصد طرفین شود موجب بطلان قرارداد خواهد شد. ماده ۱۹۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست». این ماده اشتباه را به طور کلی موجب عدم نفوذ قرارداد می‌داند ولی مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ قانون مدنی به ترتیب مقرر می‌دارند: «اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط به خود موضوع معامله باشد» و «اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد».

ب) اکراه: اکراه عبارت است از فشار غیر عادی و نامشروع که به منظور وادار کردن شخص بر انشای عمل حقوقی وارد می‌شود و آزادی تصمیم گرفتن را از او می‌گیرد. اگر کسی دیگری را با زور وادار به انعقاد قرارداد و او را تهدید کند که در صورت عدم انعقاد قرارداد جان و مال او یا نزدیکان او را به خطر اندازد و این تهدید مؤثر بر شخص باشد و به موجب آن اقدام به انشای معامله کند این قرارداد غیر نافذ خواهد بود. برای این که اکراه اراده را تحت تاثیر قرار دهد باید عناصری داشته باشد. این عناصر، مادی و معنوی هستند.

۲) بطلان قرارداد ناشی از وضعیت طرفین: ماده ۲۱۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد:

«معامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند به واسطه عدم اهلیت باطل است». همچنین ماده ۲۱۲ قانون مدنی بیان می‌کند: «اعمال و اقوال صغیر، تا حدی که مربوط به اموال و حقوق او باشد، باطل و بلااثر است؛ مع‌ذالک صغیر ممیز می‌تواند تملک بلا عوض کند مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیازت مباحات».

۳) بطلان قرارداد به علت جهت نامشروع: ماده ۱۹۰ قانون مدنی در بند ۴ مشروعیت، جهت معامله را برای صحت شرط اساسی می‌داند. همان‌طور که می‌دانیم ضمانت اجرای تخلف از شرایط اساسی صحت قرارداد که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی مندرج است بطلان است. بنابراین در قرارداد بیمه مشروعیت جهت برای صحت، شرط اساسی است. ماده ۲۱۷ مقرر می‌دارد: «لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد والا معامله باطل است».

۴) بطلان قرارداد بیمه ناشی از شرط: ماده ۲۲۳ قانون مدنی: «شروط مفصله ذیل باطل و موجب بطلان عقد است: ۱. شرط خلاف مقتضای عقد؛ ۲. شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود». مقتضای ذات قرارداد بیمه ایجاد تامين به عوض حق بیمه پرداختی است و هر شرطی خلاف این مقتضا موجب بطلان قرارداد می‌شود. شرط دیگری که موجب بطلان قرارداد می‌شود شرط مجهولی است که موجب جهل به عوضین شود. یکی از شروط اساسی صحت معلوم بودن مورد معامله است، بنابراین اگر شرط مجهولی در قرارداد آورده شود که جهل به آن موجب جهل به یکی از عوضین معامله شود قرارداد باطل خواهد بود.

۵) بطلان ناشی از عدم تعیین موضوع قرارداد: به موجب بند سوم ماده ۱۹۰ قانون مدنی وجود موضوع معین که مورد معامله باشد یکی از شروط اساسی صحت قراردادهاست. قرارداد بیمه نیز از این قاعده و حکم آمرانه مستثنا نیست و وجود موضوع بیمه و تعیین آن به طور واضح به نحوی که برای بیمه‌گر و بیمه‌گذار مشخص باشد که بیمه نامه را برای چه مالی تنظیم می‌کنند ضروری است.

گفتار دوم- بطلان ناشی از فقدان شرایط لازم در قرارداد بیمه به طور خاص

۱) نقض اصل حسن نیت و اصل جبران خسارت: حسن نیت یک قاعده اخلاقی است و برای مثال در قرارداد بیمه که بر پایه حسن نیت طرفین و اعتماد متقابل بر اعتبار اشخاص منعقد می‌شود، رعایت اصل حسن نیت ضمانت اجراهای قوی دارد. بدین نحو که رعایت نکردن آن بدون سوء نیت به طرف قرارداد حق فسخ می‌دهد و عدم رعایت آن با قصد تقلب و سوء نیت موجب بطلان قرارداد می‌شود. بنابراین صداقت و حسن نیت ستون بنیادین قرارداد بیمه است. قرارداد بیمه عقدی است که هدف نهایی آن این است که در صورت تحقق خطر موضوع بیمه، خسارت وارده به طور کامل جبران شود و بیمه نباید به صورت محل درآمد بیمه‌گذار درآید. به این معنا که پس از پرداخت خسارت نباید بیمه‌گذار را از لحاظ مالی در وضعیتی بهتر از قبل از وقوع خسارت قرار دهد. این امر در چارچوب اصلی به نام اصل جبران خسارت یا اصل غرامت رفته و به صورت یکی از اصول مهم حاکم بر قرارداد بیمه در آمده است. مطابق اصل حسن نیت خسارت وارده باید تمام و به نحو مطلوب جبران شود بدون آن که این جبران خسارت موجب افزایش دارایی زیان دیده شود. مطابق اصل جبران خسارت پس از پرداخت خسارت بیمه‌گذار نباید از لحاظ مالی در وضعیتی بهتر از قبل خسارت قرار گیرد. به این ترتیب که بیمه موجب پرداختی علاوه بر خسارت واقعی نخواهد بود.

الف) بیمه به قیمت بیش از ارزش حقیقی مورد بیمه: ماده ۱۱ قانون بیمه مقرر می‌دارد: «چنانچه بیمه‌گذار یا نماینده او مالی را بالاتر از قیمت عادلانه در موقع عقد قرارداد بیمه، داده باشد عقد بیمه باطل و حق بیمه پرداختی قابل استرداد نیست». بنابراین، اعلام قیمت واقعی مورد بیمه یکی از وظایف مهم بیمه‌گذار محسوب می‌شود و ضمانت اجرای تخلف متقلبانه از آن، بطلان قرارداد است.

ب) بیمه مضاعف: ماده ۸ قانون بیمه مقرر می‌دارد: «در صورتی که مالی بیمه

شده باشد در مدتی که بیمه باقی است نمی‌توان همان مال را به نفع همان شخص و از همان خطر مجدداً بیمه کرد». مطابق این ماده اخذ بیمه مضاعف ممنوع است و از سیاق آمرانه آن به نظر می‌رسد که ضمانت اجرای بطلان را برای چنین بیمه‌ای در نظر دارد.

ب) بیمه خطری که قبل از عقد واقع شده است: ماده ۱۸ قانون بیمه سال ۱۳۱۶ مقرر می‌دارد: «هرگاه معلوم شود خطری که برای آن بیمه به عمل آمده قبل از عقد قرارداد واقع شده بوده است قرارداد بیمه باطل و بی اثر خواهد بود». در این موارد سوء نیت بیمه‌گذار نیز واضح به نظر می‌رسد مگر آنکه وی از وقوع حادثه پیش از انعقاد قرارداد بی‌اطلاع باشد. به هر حال از آنجا که بیمه‌گر در این موارد خسارتی پرداخت نمی‌کند جریمه سنگینی برای بیمه‌گذار در نظر گرفته نشده است و وی مستحق دریافت حق بیمه‌های پرداختی خود خواهد بود، ولی مطابق قسمت اخیر ماده ۱۸ قانون بیمه عشر از مبلغ مذکور بابت مخارج صرف شده به بیمه‌گر تعلق می‌گیرد.

ت) اظهارات کذب عمدی یا کتمان عمدی بیمه‌گذار: ماده ۱۲ قانون بیمه مقرر می‌دارد: «هرگاه بیمه‌گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذب بنماید و مطالب اظهار شده یا اظهارات کاذب طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن نزد بیمه‌گر بکاهد قرارداد بیمه باطل خواهد بود حتی اگر مراتب مذکوره تاثیری در وقوع حادثه نداشته باشد. در این صورت نه فقط وجوهی که بیمه‌گذار پرداخته است قابل استرداد نیست بلکه بیمه‌گر حق دارد اقساط بیمه را که تا آن تاریخ عقب افتاده است نیز از بیمه‌گذار مطالبه کند». این ماده اظهارات خلاف واقع عمدی را در صورتی موجب بطلان قرارداد دانسته که موضوع خطر را تغییر دهد یا از اهمیت آن در نظر بیمه‌گر بکاهد. بنابراین اظهارات خلاف واقع و کتمان بیمه‌گذار فقط در صورتی که عمدی باشد و موضوع و اهمیت خطر را تغییر دهد موجب بطلان قرارداد بیمه می‌شود، حتی اگر بر وقوع حادثه مورد بیمه تاثیری نداشته باشد.

۲) فقدان نفع بیمه‌ای: نفع بیمه‌ای عبارت است از ذی‌نفع بودن شخص بیمه‌گذار در بقای مورد بیمه؛ یعنی وقوع حادثه مورد بیمه باید موجب تضرر بیمه‌گذار شود. ماده ۴ قانون بیمه مقرر می‌دارد: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی مشروط بر این که بیمه‌گذار نسبت به آنچه بیمه می‌دهد ذی‌نفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه‌گذار متضرر می‌گردد». در این ماده موضوع بیمه، به مال اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی تعریف شده است. به این ترتیب آنچه بیمه می‌شود باید یکی از این موارد باشد. داشتن نفع بیمه‌ای صرفاً به بیمه‌های زیان مربوط می‌شود و در بیمه‌های اشخاص راه ندارد و فقط رضامندی بیمه‌گذار برای بیمه‌های اشخاص کافی است. وجود نفع بیمه‌ای در هنگام قرارداد لازم دانسته شده است و احراز ذی‌نفع بودن طرف قرارداد از ابتدا موجب می‌شود که بیمه‌گر با اطلاع کامل از اوضاع و احوال، شروط قرارداد را تعیین کند و تضمین کافی برای محافظت مورد بیمه توسط بیمه‌گذار را داشته باشد. به این ترتیب نبود نفع بیمه‌ای مطابق قواعد عمومی مربوط به قراردادهای بیمه از نظر بیمه‌گران موجب بطلان قرارداد بیمه می‌شود و به چنین قراردادی پای‌بند نخواهند بود.

۳) بیمه عمر یا حادثه جسمانی بدون رضامندی کتبی بیمه شده: ماده ۲۳ قانون بیمه مقرر کرده است: «... بیمه عمر یا بیمه نقصان یا شکستن عضو شخص دیگری در صورتی که شخص قبلاً رضایت خود را کتبا نداده باشد باطل است...». بنابراین هیچ‌گاه نمی‌توان برای تامین هزینه‌های درمانی یا خسارت‌های ناشی از نقص عضو دیگری بیمه‌نامه تنظیم کرد. همین‌طور نمی‌توان دیگری را بیمه عمر کرد مگر آنکه وی قبلاً رضامندی خود را به صورت کتبی اعلام کرده باشد. بدین ترتیب اخذ چنین بیمه‌نامه‌هایی صحیح خواهد بود.

۴) سرایت بطلان بیمه نامه نسبت به یک موضوع به سایر موضوعات و بطلان کلی بیمه‌نامه: در قراردادهای بیمه مطابق ماده ۳۴ قانون بیمه سال ۱۳۱۶ بطلان بیمه‌نامه نسبت به یک موضوع موجب بطلان آن نسبت به سایر موضوعات خواهد شد. این قاعده مربوط به قراردادهای بیمه است و به لحاظ مختص بودن قانون بیمه به قراردادهای بیمه نسبت به آنها حاکمیت دارد و قانون مدنی را در این باب تخصیص می‌زند. از سوی دیگر خصلت آمرانه قواعد قانون بیمه موجب می‌شود که نتوان هیچ گونه استثنایی به آن وارد کرد.

۵) ضمانت اجرای رعایت نکردن مندرجات اجباری بیمه‌نامه: ماده ۳ قانون بیمه مقرر می‌دارد: «در بیمه نامه باید امور ذیل به طور صریح قید شود: ۱. تاریخ انعقاد قرارداد؛ ۲. اسم بیمه‌گر و بیمه‌گذار؛ ۳. موضوع بیمه؛ ۴. حادثه یا خطری که عقد بیمه به مناسبت آن به عمل آمده است؛ ۵. ابتدا و انتهای بیمه؛ ۶. حق بیمه؛ ۷. میزان تعهد بیمه‌گر در صورت وقوع حادثه». مطابق مفاد این ماده رعایت شروط احصا شده برای صحت قرارداد بیمه الزامی است و با توجه به لحن آمرانه آن می‌توان گفت که رعایت نکردن هر یک از این شروط موجب بطلان قرارداد می‌شود، زیرا عدم وضوح هر یک موجب جهل به یکی از عوضین قرارداد بیمه می‌شود و جهل به عوضین نیز موجب بطلان قرارداد است.

مبحث دوم: انفساخ قرارداد بیمه

یک قرارداد با ایجاب و قبول و به عبارتی با قصد و رضای طرفین وارد عالم اعتبار می‌شود و حیات می‌یابد ولیکن حیات برخی از قراردادها دیری نمی‌پاید و به علتی پایان می‌یابد. انفساخ هر قراردادی ممکن است به دو علت صورت پذیرد: اول، انفساخ ناشی از قانون و دوم، انفساخ ناشی از تراضی.

گفتار اول - انفساخ ناشی از قانون

قانون بیمه موردی را به عنوان انفساخ قرارداد بیمه مقرر نکرده است ولیکن

مطابق قواعد عام قانون مدنی و در بحث انفساخ قراردادها و بررسی آنها می‌توان این گونه استنباط کرد که از بین رفتن موضوع بیمه بر اثر حادثه‌ای غیر از حادثه مورد بیمه موجب انفساخ قرارداد می‌شود، زیرا دیگر دلیلی برای بقای قرارداد وجود ندارد و دخالت هیچ کدام از طرفین نیز برای انحلال چنین قراردادی لازم نیست بلکه قرارداد به خودی خود و بدون مداخله عامل بیرونی و فقط با از بین رفتن موضوع خود منسوخ می‌شود. این مورد تنها دلیل انفساخ قرارداد بیمه به نظر می‌رسد.

گفتار دوم - انفساخ ناشی از تراضی

شرط فاسخ شرطی است که طرفین با توسل به آن بر انحلال قرارداد در آینده به موجب وقوع شرطی توافق و بدین وسیله اجرای قرارداد را محدود به زمانی خاص (تا زمان وقوع شرط) و در شرایطی خاص می‌کنند. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد تفاوت شرط فاسخ با شرط مدت در قرارداد است؛ در قراردادهای بیمه یا قراردادهایی مثل اجاره، انتفاع، حق ارتفاق و... مدت معینی را ضمن قرارداد به عنوان زمان اجرا و اعتبار آن در نظر می‌گیرند و این مدت به صورت شرطی مکتوب در قرارداد درج می‌شود. باید توجه داشت که وجود شرط مدت و انقضای آن موجب انفساخ قرارداد نمی‌شود بلکه به آن پایان می‌دهد و با شروط موجب انفساخ، که شروطی محتمل الوقوع هستند، و با تراضی طرفین یا حکم قانون تعیین می‌شوند متفاوت است.

آثار انحلال قهری قرارداد بیمه

در این قسمت آثار بطلان و انفساخ قرارداد بیمه به تفکیک بیان می‌شود.

مبحث اول: اثر بطلان قرارداد بیمه

بطلان حالتی است که در آن عقد، وجود حقوقی پیدا نمی‌کند. این حالت ممکن است به دلایل متعدد ایجاد شود، که مطابق قواعد عمومی قراردادها و قواعد خاص مندرج در قانون بیمه ذکر شد. در صورت بطلان قرارداد اگر عوضی تسلیم نشده باشد

دیگر الزامی برای تسلیم آن وجود نخواهد داشت و چنانچه عوضی تسلیم شده باشد باید به مالک پیش از عقد باز گردانده شود. اگر یک عوض یا هر دو عوض تلف شده باشند طرفین مسئول رد و بدل مال تلف شده یعنی مثل در مال مثلی و قیمت در مال قیمتی خواهند بود. در بطلان قرارداد بیمه بعد از بطلان دیگر حق بیمه‌ای پرداخت نمی‌شود ولی باز پس دادن حق بیمه‌های دریافت شده توسط بیمه‌گر بستگی به وجود شرایطی دارد. به این ترتیب که دلیل بطلان قرارداد مؤثر بر تعیین شرایط بطلان قرارداد بیمه خواهد بود. به این ترتیب که اگر بطلان قرارداد ناشی از خلل در شرایط اساسی صحت قراردادها مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مدنی باشد، یعنی بطلان به علت فقدان قصد، عدم الحاق عنصر رضا، عدم اهلیت (جنون)، نامشروع بودن جهت معامله که وارد در قلمرو تراضی طرفین شده باشد و عدم تعیین مورد قرارداد. همین طور اگر به علت وجود یکی از شروط باطل و مبطل، عقد باطل باشد، عشر از مبلغ مزبور را به عنوان مخارج کسر و بقیه را باید به بیمه‌گذار مسترد دارد. به این ترتیب در صورتی که بطلان به علت کشف وقوع خطر مورد بیمه پیش از انعقاد قرارداد، واقع شده باشد حق بیمه‌های پرداختی منهای عشر آنها قابل استرداد است.

مبحث دوم: اثر انفساخ قرارداد بیمه

انفساخ قرارداد (فسخ و انحلال خود به خودی قرارداد) ممکن است به دو طریق واقع شود: اول، با وقوع حادثه ای که قانون وقوع آن را موجب انفساخ آن می‌داند؛ دوم، از طریق تراضی طرفین مبنی بر این که در صورت تحقق شرطی پیش‌بینی شده، عقد، منفسخ به حساب آید. به هر حال انفساخ یک واقعه حقوقی است و اثر خاص خود را دارد. انفساخ به معنی انحلال عقد است، یعنی از لحظه انفساخ که همان لحظه تحقق شرطی است که وقوع آن موجب انفساخ عقد بیمه دانسته شده است، قرارداد پایان می‌یابد و دیگر در عالم اعتبار وجود ندارد. در نتیجه، اثر عقد سابق قطع می‌شود و عوضین قرارداد به جای اول خود باز می‌گردند. به این ترتیب که مورد بیمه دیگر بیمه

نیست، یعنی بیمه‌گر دیگر آن را پوشش نمی‌دهد و بیمه‌گذار نیز دیگر حق بیمه‌ای پرداخت نمی‌کند.

منابع

۱. امامی، سید حسن. (۱۳۷۷)، *حقوق مدنی*، انتشارات اسلامی، چاپ نوزدهم.
۲. ایزد پناه، مسیح. «جزوه حقوق بیمه»، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۷۵-۷۶.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸)، *دوره حقوق مدنی*، حقوق تعهدات، انتشارات گنج دانش، چ ۳.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸)، *ترمینولوژی حقوقی*، انتشارات گنج دانش، چ ۳.
۵. جوهریان، محمدولی. (۱۳۵۰)، *بیمه برای همه و به زبان همه*، انتشارات بیمه ایران.
۶. خامنه‌ای، سید محمد. *بیمه در حقوق اسلام*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. دستباز، هادی. (۱۳۷۷)، *اصول و کلیات بیمه‌های اشخاص*، جلد دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چ ۳.
۸. روزه بو. (۱۳۷۸)، *حقوق بیمه*، ترجمه دکتر محمد حیاتی، انتشارات بیمه مرکزی ایران، چ ۲.
۹. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۰) *حقوق مدنی*، جلد اول، تشکیل قراردادها و تعهدات، انتشارات مجد، چ ۲.
۱۰. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۰) *حقوق مدنی*، جلد دوم، اصول قراردادها و تعهدات، انتشارات مجد، چ ۲.
۱۱. صاحبی، مهدی. (۱۳۷۶)، *تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی*، نشر ققنوس، چ ۲.
۱۲. صفایی، سید حسن. (۱۳۸۲)، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، تعهدات و قراردادها، چ ۲.

۱۳. عرفانی، توفیق. (۱۳۷۱)، *قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران*، انتشارات کیهان، چ ۱.
۱۴. کریمی، آیت. (۱۳۷۶)، *کلیات بیمه*، انتشارات بیمه مرکزی ایران، چ ۲.
۱۵. محمود صالحی، جان علی. (۱۳۸۱)، *حقوق بیمه*، انتشارات بیمه مرکزی ایران، چ ۱.
۱۶. محمود صالحی، جان علی. (۱۳۷۲)، *حقوق زیان دیدگان و بیمه اشخاص ثالث*، چ ۲، دانشگاه تهران.
۱۷. محمود صالحی، جان علی. (۱۳۷۲)، *فرهنگ اصطلاحات بیمه و بازرگانی*، انتشارات بیمه مرکزی ایران، چ ۲.
۱۸. مدنی کرمانی، عارفه. (۱۳۷۶)، *حقوق بیمه*، انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد، چ ۱.
۱۹. مشایخی، همایون. (۱۳۵۳)، *مبانی و اصول حقوقی بیمه*، انتشارات مدرسه عالی بیمه.





پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی